### نمایش قدرت پکن در آستانه سفر نانسی پلوسی به آسیا

# التهاب در تنگه تایوان

تنش میان چین و ایالات متحده بر سر تایوان بالا گرفته و کمتر از دو روز پس از تماس تلفنی جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده و شی‌جین‌پینگ همتای چینی‌اش، ارتش پکن اعلام کرد مانوری یک‌روزه در تنگه تایوان برگزار و در آن از مهمات جنگی استفاده خواهد کرد و تردد در اطراف استان فوجیان ممنوع خواهد بود. شی در تماس تلفنی با بایدن با اشاره به چالش تایوان، هشدار داده بود که واشنگتن با آتش بازی نکند. این مانور نظامی واکنش چین به اعلام خبر سفر نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در روزهای آینده به تایوان ارزیابی شده است. پلوسی قرار است در سفر آسیایی خود به ژاپن، کره‌جنوبی، مالزی و سنگاپور برود که پس از هشدارهای چین، سفر احتمالی او به تایوان «در دست بررسی» اعلام شده است. چین از آمریکا خواسته تا تابع «اصل چین واحد» باشد و با صراحت تأکید کرد که «چین قاطعانه با استقلال تایوان و دخالت خارجی مخالف است». در مقابل رئیس‌جمهور آمریکا نیز تأکید کرده که سیاست‌های این کشور در قبال تایوان تغییری نکرده و «با تلاش‌های یک‌جانبه برای تغییر وضعیت یا تضعیف صلح و ثبات در تنگه تایوان مخالف است». نانسی پلوسی بلندپایه‌ترین مقام آمریکایی از سال ۱۹۹۷ به این سو خواهد بود که به این جزیره مستقل سفر می‌کند. با این حال بایدن هفته پیش به خبرنگاران گفته بود مقامات نظامی آمریکا معتقدند سفر پلوسی به تایوان در این برهه زمانی «ایده خوبی نیست». اظهارات بایدن به‌طور یکسان باعث اعتراض قانون‌گذاران و کارشناسانی شد که معتقد بودند بایدن در تلاش برای کنترل سفر شخصی یکی از اعضای کنگره، از حدود قانونی رئیس‌جمهور و ارتش فراتر رفته است. آمریکا روابط دیپلماتیک رسمی با تایوان ندارد، اما طبق قوانین این کشور موظف است ابزار دفاعی را در اختیار این جزیره قرار دهد. در پی جنگ داخلی چین در سال ۱۹۴۹، حزب ناسیونالیست چین، «کومینتانگ»، سرزمین اصلی را به حزب کمونیست واگذار کرد و دولت جمهوری چین به ریاست «چیانگ کای شک» در جزیره تایوان مستقر شد و شهر تایپه را به عنوان پایتخت موقت دولت در تبعید این کشور برگزید. جمهوری خلق چین حکومت تایوان را غیرقانونی خوانده و خواهان بازگشت این سرزمین به خاک اصلی چین است. دولت آمریکا همچنین دکترین «ابهام استراتژیک» را حفظ می‌کند که در آن نه تأیید و نه رد خواهد کرد که آیا در صورت حمله چین از تایوان دفاع خواهد کرد. تنش‌های متعدد میان چین و ایالات متحده باعث شده روابط دو طرف به پایین‌ترین حد خود در دهه‌های اخیر سقوط کند. علی‌رغم کاهش تمایل حزب کمونیست چین برای مذاکره در مورد اکثر موضوعات مورد اختلاف، کاخ سفید اعلام کرد که بازنگه‌داشتن خطوط ارتباطی بین دو قدرت مهم است. جان کربی، سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید می‌گوید: «رئیس‌جمهور می‌خواهد اطمینان حاصل کند خطوط ارتباطی با رئیس‌جمهور شی همچنان باز است، زیرا آنها نیاز دارند. مسائلی وجود دارد که ما می‌توانیم در مورد آنها با چین همکاری کنیم و سپس مسائلی وجود دارد که درخصوص آنها به وضوح، اصطکاک و تنش وجود دارد. این یکی از مهم‌ترین روابط دوجانبه در جهان امروز است که پیامدهایی فراتر از هر دو کشور دارد. رئیس‌جمهور به وضوح این را درک می‌کند و ما به کار روی این رابطه ادامه خواهیم داد». ظاهرا شی از بایدن خواسته است تا وظیفه «دو قدرت بزرگ» را مدیریت امنیت جهانی بداند و از رئیس‌جمهور آمریکا خواسته است حزب کمونیست چین را از دریچه «رقابت استراتژیک» نبیند. با این حال، بایدن در حال حاضر نیاز دارد به وضعیت چین به‌عنوان یک قدرت رو به رشد توجه کافی داشته باشد و در عین حال باید رفتار خصمانه فزاینده رژیم چین را کاهش دهد. برای این منظور بود که گفت‌وگوی شی با بایدن به‌شدت بر تایوان متمرکز شد. شی به

بایدن گفته است «بازی با آتش شما را به آتش خواهد کشید. امیدوارم ایالات متحده بتواند این را به وضوح ببیند» اما بازخوانی تماس منتشرشده توسط کاخ سفید این گفته‌ها را کم‌اهمیت جلوه داد و صرفا گفت که سیاست ایالات متحده در به رسمیت شناختن حزب کمونیست چین به عنوان تنها نهاد حاکم بر چین تغییر نکرده است. شی وعده داده است این جزیره را با سرزمین اصلی متحد کند و استفاده از زور را برای این کار رد نکرده است. به نوبه خود، کشور تایوان از سال ۱۹۴۹ خودگردان بوده است، هرگز تحت کنترل حزب کمونیست چین نبوده و دارای دموکراسی و اقتصادی پررونق بوده است. تنش‌ها بر سر موضوع تایوان در هفته گذشته و در میان گمانه‌زنی‌ها مبنی بر اینکه نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، در حال برنامه‌ریزی برای دیدار شخصی از این کشور است، افزایش یافت. حزب کمونیست چین متعاقبا تهدید کرد در صورت انجام این سفر، «اقدامات قهرآمیز» علیه ایالات متحده و تایوان انجام خواهد داد. پس از این اظهارات، بایدن علنا گفت چنین سفری «ایده خوبی نیست» و اشاره کرد که ارتش مخالف آن است. نانسی پلوسی در واکنش به تهدیدهای چین گفت این دولت ممکن است باور داشته باشد که چین هواپیمای او را در صورت سفر به تایوان ساقط می‌کند. در ماه می هم وزیر دفاع چین گفت که حزب کمونیست چین برای جلوگیری از به رسمیت شناختن استقلال عملی تایوان در سطح بین‌المللی، «در آغاز جنگ بدون توجه به هزینه‌ها تردید نخواهد کرد». آسوشیتدپرس به نقل از مقام‌های پنتاگون نوشته بود که ارتش طرح امنیتی ویژه‌ای برای مقابله با هرگونه «رویداد غیرمنتظره» در این سفر احتمالی آماده کرده است. چند مقام پنتاگون گفتند از بابت احتمال حمله چین به هواپیمای حامل نانسی پلوسی نگران نیستند، اما از بابت احتمال وقوع حوادث ناخواسته دیگری که ممکن است جان پلوسی را به خطر بیندازد، نگرانی دارند. پیش‌تر، روزنامه «ساوت چاینا مورنینگ پست» به نقل از یک گروه تحلیلی محلی گزارش داد که ناوگروه تهاجمی نیروی دریایی آمریکا در شرق آسیا به سمت تایوان در حال حرکت است. کارشناسان سیاسی پیش‌بینی می‌کنند که با توجه به هشدارهای شدید پکن، احتمال لغو سفر پلوسی به تایوان زیاد است و در صورت انجام این سفر واشنگتن لازم است تا هزینه‌های آن را بپردازد و این هزینه‌ها می‌تواند منجر به بروز تنش در این منطقه از جهان هم‌زمان با درگیری‌ها در اوکراین باشد.

**طرح کمک نظامی به تایوان**

در چنین شرایطی، جمهوری‌خواهان کنگره آمریکا برای ارائه لایحه‌ای اقدام کرده‌اند که یک برنامه کمک‌نظامی به صورت «قرض و اجاره» را برای تایوان به منظور مقابله با آنچه «ستیزه‌جویی روزافزون چین» خوانده می‌شود، در نظر می‌گیرد. این لایحه که ایده میشل استیل، نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان و سناتور مارشا بلک‌برن است، از یک برنامه در اوایل دهه ۱۹۴۰ الگوبرداری شده که به دولت ایالات متحده اجازه می‌داد تا متحدان اروپایی را بدون اینکه خودش مستقیما وارد جنگ جهانی دوم شود، تقویت کند. این دو سیاست‌مدار آمریکایی گفتند که حزب کمونیست چین همچنان به ارعاب و فشار بر متحد ما ادامه می‌دهد و ایالات متحده باید همواره طرف آزادی و دموکراسی باشد. این لایحه به رئیس‌جمهوری آمریکا اجازه می‌دهد تا سلاح و تجهیزات نظامی را به تایوان قرض یا اجاره دهد. در عوض، دولت تایوان موظف است هزینه «بازگرداندن یا جایگزینی» سلاح‌های قرض‌گرفته را در یک بازه زمانی ۱۲ساله بازپرداخت کند. این لایحه تصریح می‌کند که کاخ سفید می‌تواند در صورت لزوم درباره مبلغ بازپرداخت دوباره مذاکره کند. سناتور بلک‌برن گفت: تایوان بزرگ‌ترین شریک ما در منطقه هند - اقیانوسیه است و تداوم حق حاکمیت آنها برای به چالش کشیدن «محور جدید شرارت» حیاتی است. تایوان باید بداند ایالات متحده از آنها با تجهیزات دفاعی ازجمله تسلیحات و ادوات، صرف‌نظر از آنچه حزب کمونیست چین می‌گوید، حمایت خواهد کرد.

# خیانت روشنفکران

در جریان بازدید رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده از برلین غربی در سال ۱۹۸۷ به او گفته شد کمونیست‌ها در برلین شرقی دستگاه‌های شنود دوربرد دارند. همان‌طورکه در زندگی‌نامه او بازگو شده است، پاسخ او چنین بود: «یکی از مقامات آلمان گفت که مراقب حرف‌هایتان باشید. وقتی این حرف را شنیدم، به سمت پاگردی که به ساختمان نزدیک‌تر بود رفتم و در مورد این صحبت کردم که درباره دولتی که مردمش را مانند حیوانات مزرعه در آغل نگه می‌دارد، چه فکری می‌کنم. دقیقا یادم نیست که چه گفتم اما ممکن است در اظهارنظرم در مورد کمونیسم کمی ناسزا نیز چاشنی کار کرده باشم، به این امید که صدایم شنیده شود». با وجود جنایت‌های فراوانی که حکومت‌های کمونیستی در طول تاریخ مرتکب شده‌اند، همواره مورد حمایت روشنفکران بودند اما این تنها یکی از موضع‌گیری‌های فاجعه‌بار این قشر و ایستادن مداوم آنها در سمت غلط تاریخ محسوب می‌شود. شاید بهترین توصیف برای روشنفکران این جمله توماس سوئل (Thomas Sowell) باشد: «آنها بدون آنکه جزء بدترین انسان‌ها باشند، کمک کردند تا بدترین نتایج ممکن به بار بیاید». توماس سوئل نویسنده کتاب مهم «روشنفکران و جامعه؛ آنجا که روشنفکران خطا می‌کنند» که اکنون ۹۲ سال دارد و بیش از ۴۰ کتاب به نگارش درآورده، نویسنده، نظریه‌پرداز، اقتصاددان و مفسر سیاسی سرشناس آمریکایی است که مزیت او نگاه محافظه‌کارانه‌اش در نقد عملکرد روشنفکران چپ‌گراست. سوئل از دانشگاه کلمبیا در رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شده و دکترای اقتصاد خود را از دانشگاه شیکاگو اخذ کرده است. او در دانشگاه‌های هاروارد، راتگرز، کورنل، دانشگاه براندیس، کالج آمهرست و دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس، اقتصاد تدریس کرده است و از ۱۹۸۰ در انستیتو هوور در دانشگاه استنفورد مشغول به کار بوده است. نکته جالب اینکه سوئل در سال‌های دهه ۲۰ زندگی خود و زمانی که شور و هیجان جوانی بر عقل و منطق غالب بود، تعلقاتی مارکسیستی داشت و یکی از اولین مقاله‌های حرفه‌ای او، بررسی اندیشه‌ها و عملکرد مارکسیستی- لنینیستی بود. سیاست اجتماعی، مسائل نژادی، گروه‌های قومی، آموزش و تصمیم‌گیری تا اقتصاد کلاسیک و مارکسیستی، موضوعات مورد علاقه سوئل محسوب می‌شوند و مقاله‌هایش تا حدود شش سال پیش یعنی زمانی که ۸۶ساله بود، به‌صورت مرتب در فوربس، نشنال‌ریویو، وال‌استریت ژورنال، واشنگتن‌تایمز و نیویورک‌پست منتشر می‌شد.

سوئل در کتاب مهم «روشنفکران و جامعه» که در سال ۲۰۰۹ منتشر کرده و به‌تازگی ترجمه فارسی آن هم وارد بازار نشر شده، روشنفکر را کسی می‌داند که شغلش خلق و ترویج ایده است. با این تعریف و این میزان اثرگذاری، پرسش اصلی این است که در قرن اخیر محصول نهایی کار روشنفکران و ایده‌هایی که مطرح کردند، وضعیت جوامع را بهتر کرده یا بدتر؟ جواب سوئل با توجه به کارنامه عملکرد روشنفکران و سوابق موضع‌گیری‌های آنها این است که «خیلی سخت می‌توانیم بر اساس شواهد نتیجه نگیریم که روشنفکران جهان را به مکان بدتر و خطرناک‌تری تبدیل کرده‌اند. دلیل این نتیجه‌گیری خطاهایی بی‌شمار است که روشنفکرها مرتکب شدند و یکی از مهم‌ترین خطاها بی‌توجهی به واقعیت و چسبیدن به ایده‌های انتزاعی است. نکته این نیست که روشنفکران اشتباه کرده‌اند یا در مورد موضوعات خاصی کم‌اطلاع هستند. نکته این است که روشنفکران با این رفتار و تفکر که در مورد انسان‌های انتزاعی در دنیایی انتزاعی در حال بحث هستند، از زیر بار مسئولیت و کار طاقت‌فرسای یادگیری حقایق در مورد انسان‌های حقیقی در جهان واقعی شانه خالی می‌کنند؛ حقایقی که اغلب تفاوت‌های بین آنچه روشنفکران می‌بینند و آنچه ترجیح می‌دهند ببینند را توضیح می‌دهد. بسیاری از مسائلی که مشکلات اجتماعی نامیده می‌شوند، تفاوت‌هایی بین نظریه‌های روشنفکران و واقعیات جهان هستند. تفاوت‌هایی که بسیاری از روشنفکران آن را به این معنا تلقی می‌کنند که اشتباه است و نیاز به تغییر دارد. ظاهرا نظریه‌های آنها و دیدگاه حامی آن نظریه‌ها نمی‌تواند اشتباه باشد».

**آرمان‌شهرخیالی**

سوئل در بخشی از این کتاب می‌نویسد: «تحسین روشنفکران از فضائل مفروض کشورهای خارجی اغلب به‌عنوان ابزاری برای سرزنش کشور خودشان عمل کرده است. این الگو به دوره ژان ژاک روسو در قرن هجدهم برمی‌گردد که تصویرش از وحشی نجیب به‌عنوان ابزاری برای سرزنش تمدن اروپایی استفاده می‌شد. درحالی‌که مقایسه برخی از کشورها با ملل دیگر یا شاید با دیدگاه ایدئالی در مورد اینکه ملت‌ها چگونه باید باشند، مشروع است، اما به‌طورکلی اغلب روشنفکران غربی، یا روشنفکران آمریکایی به‌طور خاص، ملت خودشان را با تصویری ساختگی از ملت‌های دیگر مقایسه می‌کنند. در دهه ۱۹۳۰ تصویری خیالی از شوروی توسط روشنفکران آن دوران و به کمک نویسندگان حامی شوروی ساخته شد. برای نمونه درحالی‌که مردم شوروی از گرسنگی شدیدی رنج می‌بردند و اردوگاه‌های کار اجباری فراوانی تحت لوای استالین وجود داشت، منتقد ادبی معروف، ادموند ویلسون، اتحاد شوروی را قله اخلاقی جهان نامید. زمانی که حقایق و واقعیت‌های بسیاری از اتحاد جماهیر شوروی در دسترس همگان قرار گرفت، روشنفکران شروع به پیداکردن کشورهای دیگر کردند تا از آنها به‌عنوان دستاویزی برای سرزنش‌کردن کشور خودشان استفاده کنند. کشورهایی مانند چین کمونیستی، هند، برخی کشورهای جهان سوم یا حتی بعضی کشورهای تازه‌استقلال‌یافته در جنوب صحرای آفریقا».

**جهان انتزاعی**

این نویسنده آمریکایی به چندین مورد از همراهی روشنفکران با دیکتاتورهای چپ‌گرا و اصرار آنها بر ایده‌های غیرواقعی و انتزاعی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «عدم پاسخ‌گویی به دنیای بیرون صرفا اتفاق نیست بلکه یک اصل است. جان استوارت میل گفته درحالی‌که روشنفکران با اندیشه‌هایشان برای دیگران معیارهای اجتماعی تعیین می‌کنند، خود باید از معیارهای اجتماعی آزاد باشند. به همین روش روشنفکران نه‌تنها از تبعات مهم اندیشه‌هایشان دور مانده بلکه اغلب حتی پس از اشتباهات فاحش خود، از بی‌آبرویی نیز مصون مانده‌اند. یکی از مزیت‌های شگفت‌آور روشنفکربودن آن است که آزادانه، بدون نگرانی از واردشدن هرگونه خدشه‌ای به شهرت‌شان، به طرز مفتضحانه‌ای ابله هستند. روشنفکرانی که از استالین بت ساخته بودند، درحالی‌که او میلیون‌ها نفر را حذف و کمترین شور آزادی را سرکوب می‌کرد، مشخصا اعتبار خود را از دست نداده‌اند. آنها هنوز درباره هر موضوعی در دنیا سخن می‌گویند و سخنانشان با احترام شنیده می‌شود. ژان پل سارتر در سال ۱۹۳۹ از آلمان که در آنجا مشغول به تحصیل فلسفه بود، به فرانسه برگشت و به دنیا گفت که انتخاب بین آلمان هیتلری و فرانسه دشوار است. بااین‌حال، سارتر بعدها کشیش روشنفکری شد که مورد احترام فرهیختگان سراسر دنیا قرار گرفت. سارتر از این لحاظ تنها نبود. پل ارلیش، حامی محیط زیست، در سال ۱۹۶۸ گفت: جنگ بر سر تأمین غذا برای همه انسان‌ها تمام شده است. در دهه ۱۹۷۰ دنیا دچار خشک‌سالی خواهد شد و با آنکه اکنون برنامه‌های آموزشی فشرده‌ای در این خصوص آغاز شده، صدها میلیون نفر از گرسنگی خواهند مرد. بااین‌حال، پس از سپری‌شدن آن دهه و دهه‌های بعدی نه‌تنها چنین چیزی اتفاق نیفتاد بلکه چاقی و محصولات کشاورزی مازاد و بلااستفاده به یکی از مشکلات فزاینده بسیاری از کشورها تبدیل شد. اما پروفسور ارلیش نه‌تنها محبوبیت خود را از دست نداد بلکه افتخارات و جوایزی را از مؤسسه‌های دانشگاهی معتبر دریافت کرد».

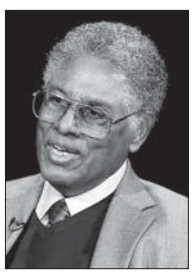

**روشنفکران و جامعه**
**نویسنده: توماس سوئل**
**مترجمان: شروین صولتی**
**شایان صولتی**
**ناشر: گوتنبرگ**

**شباهت با فاشیست‌ها**

به نوشته سوئل «تفاوت بسیار کمی بین کمونیست‌ها و فاشیست‌ها، جز در لفاظی‌ها وجود دارد. درواقع اشتراکات بین فاشیست‌ها و حتی چپ‌های متعادل بسیار بیشتر از اشتراکات بین هرکدام از آنها و محافظه‌کارهای سنتی در مفهوم آمریکایی است. نگاهی دقیق‌تر این موضوع را روشن می‌کند. کمونیسم، سوسیالیسمی با تمرکز... بین‌المللی و روش‌های تمامیت‌خواه است. بنیتو موسولینی بنیان‌گذار فاشیسم، آن را سوسیالیسم ملی در وضعیتی که تمامیت‌خواه باشد، تعریف کرد؛ این اصطلاحی بود که خودش وضع کرد. عقیده‌ای مشابه در آلمان به نام حزب ناسیونال‌سوسیالیست آلمان یعنی حزب هیتلر، طنین‌انداز شد که اکنون به نام حزب نازی معروف است و از این رهگذر مؤلفه سوسیالیستی‌اش را به دست فراموشی سپرده است. کارل مارکس می‌گفت: «طبقه کارگر یا انقلابی است یا هیچ چیز نیست». به عبارت دیگر میلیون‌ها انسان فقط زمانی اهمیت دارند که دیدگاه او را پذیرفته باشند، در غیر این صورت پشیزی نمی‌ارزند. جورج برنارد شاو، جامعه‌شناس عضو انجمن فابیان، طبقه کارگر را جزء مردم نفرت‌انگیز دانست که هیچ حقی برای زندگی‌کردن ندارند. او معتقد بود: «اگر نمی‌دانستم که همه آنها به‌زودی خواهند مرد و لزومی ندارد که با افرادی مثل خودشان جایگزین شوند، حتم ناامید می‌شدم». ادموند ویلسون وقتی جوانی بود که در ارتش آمریکا در جنگ جهانی اول خدمت می‌کرد، به دوستی نوشت: «باید ریاکار باشم اگر نگویم... که از مرگ این سطل زباله‌های متحرک، کمتر آشفته می‌شوم تا از احضارشدن هریک از دوستانم به ارتش». چپ تمامیت‌خواه به‌طور مشابه روشن کرده که قدرت تصمیم‌گیری باید منحصر به نخبگان سیاسی باشد یعنی پیشگام طبقه کارگر، رهبری از یک نژاد برتر یا هر عبارت خاص دیگری که ممکن است شعار نظام تمامیت‌خواهان باشد. در کلام موسولینی «توده مردم صرفا پیروی می‌کنند و تسلیم می‌شوند».

**نمونه قحطی اوکراین**

یک نمونه تاریخی از حقایق سرکوب‌شده، دادن اطلاعات غلط و گزارش‌نکردن قحطی ایجادشده توسط شوروی استالینی در اوکراین و قفقاز شمالی بود که میلیون‌ها نفر را در دهه ۱۹۳۰ به کشتن داد. والتر دورانتی، خبرنگار نیویورک‌تایمز در مسکو نوشت: «هیچ نشانه‌ای از قحطی یا گرسنگی وجود ندارد». او جایزه پولیتزر را دریافت کرد، هیئت‌منصفه پولیتزر او را برای گزارش‌هایی ستود که با تحقیق، دانش، بی‌غرضی، عدالت و شفافیت عالی تهیه شده بود. در همین زمان، نویسنده بریتانیایی، ملکوم موگریج از اوکراین گزارش داد که کشاورزان روستایی آنجا واقعا از گرسنگی زجر می‌کشند: «منظورم گرسنگی به... معنای مطلقش است؛ نه مثلا سوءتغذیه‌ای که بیشتر روستایی‌های شرقی و بعضی کارگران استخدام‌نشده در اروپا دچارش هستند، بلکه آنها هفته‌ها تقریبا هیچ‌چیز برای خوردن نداشتند». موگریج در مقاله بعدی خود نوشت که قحطی ساخت انسان یکی از وحشتناک‌ترین جنایت‌های تاریخ بود؛ آن‌قدر وحشتناک که مردم در آینده به‌سختی می‌توانند باور کنند که این قحطی واقعا یک زمانی اتفاق افتاده است. سوئل تضاد واقعیت موجود با تصورات روشنفکران چپ‌گرا را بسیار جالب و طعنه‌آمیز توصیف می‌کند: «مانند بسیاری مواقع دیگر در تاریخ روسیه، روشنفکرانی که در خواب و خیال به سر می‌بردند ناچار بودند برای یافتن انتظارات آرمان‌گرایانه خود در عالم بیداری از دوش آب خیلی سرد استفاده کنند».

# تعهد به آزادی

**ادامه از صفحه اول**

این یک نوع «مهارت سیاسی-اجتماعی» است که طی آن برای حل مشکلاتی که چشم‌انداز روشنی ندارند و نمی‌توانیم هم چشم‌انداز دقیقی از آن داشته باشیم، روشی از نوع «معماری اجتماعی» را در پیش می‌گیریم. راه‌حل مهمی که از سوی کارشناسان «حل مسئله» برای مشکلات پیچیده و غامض ارائه شده، یک راه‌حل فنی و نه محتوایی بوده است. آزادی نیز از آن جمله است. در واقع «سیاست آزادی» همان «تعهد به آزادی» است؛ یعنی یک نوع معماری تدریجی-تاریخی است. با این روش، تعهدی ملی به یک امر نسبی، همچون آزادی و برساختن آن در یک فرایند تاریخی ایجاد می‌شود. به همین دلیل است که رجال سیاسی و معماران اولیه یک حکومت بسیار مهم هستند؛ چراکه این تعهد آنها به آزادی است که معماری نظامات سیاسی را رقم می‌زند. بدین‌سان سخن از تعهد به معماری آزادی است. اینکه آیا آزادی بی‌قیدوشرط است؟ حدود آزادی چیست؟ و پرسش‌هایی از این دست برای «سیاست آزادی» گمراه‌کننده است و سبب می‌شود هیچ‌گاه به نتیجه نرسیم. هشدار! که منظورم این نیست که در ساحت اندیشه به چنین موضوعاتی نباید پرداخت. این بدیهی است که در حوزه فکری بایستی غنای لازم پدید آید. سخن من معطوف به «آغاز سیاست آزادی» است. به هر حال باید شروع کرد و به تدریج آن را صیقل داد نه اینکه اجرای آن متوقف بر یک تعریف دقیق و شسته‌رفته شود؛ چنین چیزی امکان وقوع ندارد. درواقع پاسخ قطعی به این پرسش‌ها وجود ندارد و سبب می‌شود در «سیاست آزادی» تعلل بورزیم. آزادی از جنس ابزار است و نه ایدئولوژی. بنابراین، مهم، پرسش از «اراده آزادی است». آیا اراده‌ای برای آزادی داریم؟ اراده آزادی در فرایندی تدریجی و تاریخی و عرفی به معماری آن می‌انجامد. در این فرایند، آزادی برساخته می‌شود. مهم‌ترین نکته اراده آزادی است و نه تعیین حدود دقیق آن. تعیین حدود در قالب یک جریان عرفی و سپس حقوقی-قضائی شکل می‌گیرد. مهم این است که همگان دغدغه آزادی را داشته باشند و آن را علت‌العلل در اصلاح نظام حکمرانی، در افزایش کارآمدی دستگاه‌های سیاست‌گذاری و در مبارزه با فساد و تبعیض بدانیم. مهم این است که بدانیم «تعهد به آزادی» به نفع همگان است. در چنین فضایی است که حتی تعقیب و تنبیه دروغ‌پردازانی که از فضای آزاد برای بی‌ثباتی کشور و هتک حیثیت افراد و نابودی اخلاق سوءاستفاده می‌کنند، به یکی از مهم‌ترین وظایف آزادی‌خواهان تبدیل می‌شود. درک این نکته مهم است که بدانیم آزادی به نفع همه است؛ امروز این بیشتر و آن یک کمتر از این موهبت بهره می‌برد و برعکس. تعهدی کلی به آزادی مبنای سیاست آزادی است و نه تعریف حدود آن. این، راهی صلح‌آمیز برای سازگاری اجتماعی است که به ثبات و اصلاح و توسعه می‌انجامد.

# سیل، بدحجاب‌ها و گشت ارشاد را برد؟!

**ادامه از صفحه اول**

مادام که زیرساخت‌های اندیشه و سیاست پا نگیرد و قوام نیابد، با کمترین باران، سیلاب راه می‌افتد. سیلاب‌های آینده مخرب‌تر هستند؛ چون نسل‌هایی که از زمان انقلاب هنوز مانده‌اند، زیر پایشان تا حدی محکم است، اما نسل‌های تازه‌تر چنین استحکامی ندارند. همین که تعداد بدحجاب‌ها زیاد شده و تعداد ارزش‌مدارها و تعداد شرکت‌کنندگان در نمازهای جمعه و جماعت کاهش یافته، نشانه‌هایی از تأثیرپذیری در برابر سیل است؛ هرچند حضور در بعضی مناسک مانند عید غدیر و محرم نشانه‌های مثبت تلقی می‌شود.

مقابله با سیل طبیعت راهکار دارد؛ راهکارهایی که اگر نتواند خسارت را به صفر برساند، از آن می‌کاهد. اگر زیرساخت‌هایی مثل سدسازی، مانع قراردادن بر سر سیل‌ها، حفظ گیاهان و... فراهم باشد، تلخی سیل را کاهش می‌دهد. در سیل سیاسی هم همین‌طور است. اگر بنیان‌های اندیشه محکم نشود، پایه اخلاق لرزان نباشد، تحمل مخالف آسان شود، محبت نهادینه نشود و خشم و نفرت تحت کنترل درنیاید، سیل‌هایی حتی با سرعت کم و هجمه کوچک هم ما را خواهد برد.

سند کمپانی/برگ سبز/کارت خودرو و سند مالکیت تراکتور رنگ زرد مدل MF285 به شماره شاسی/بدنه E01961 و شماره موتور LFW 7663S و شماره سریال 1A04-E0230711 به نام **شرکت لوله بتن پلیمر** مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

سند کمپانی/برگ سبز/کارت خودرو و سند مالکیت لیفتراک ، رنگ زرد مدل کوماتسو FD70-7 به شماره شاسی/بدنه 45077 و شماره موتور 6D102E-1 و شماره سریال 26373120 به نام شرکت **لوله بتن پلیمر** مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

سند کمپانی، برگ سبز و کارت **خودروپژوپارس** رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۶۶-۶۵۳ ق ۲۲ و شماره موتور 167B0085566 و شماره شاسی NAAN11FE0LH294462 به نام **علی قاسمی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک تحصیلی **اینجانب ندا نوروزی سلیمانیان دارنده** شناسنامه شماره ۵۶۵ صادره از بروجرد در مقطع پیش دانشگاهی صادره ی آموزش و پرورش شهریار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

برگ سبز **خودروپژو207i** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۴۰-۳۴۸ و ۹۱ و شماره موتور 166B006568 و شماره شاسی NAAR03FE2NJ494447 به نام **اعظم پرایرانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی و کارت **خودروام‌وی‌ام 110S** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۸۱_۴۸۲ ب ۸۱ و شماره موتور MVM 371FBHG001119 و شماره شاسی NATEBAPM4G1002151 به نام **نوش آفرین قجری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودروفیدلیتی پرایم** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۴۰_۲۱۵ ه ۳۳ و شماره موتور *SQRE4T15C*ACML04153* و شماره شاسی NAGC1AB49N1007220 به نام نیکی گودرزی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی **خودروجک J5** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۹۹_۵۲۶ و ۱۲ و شماره موتور HFC4GB23CF3492752 و شماره شاسی NAKNG7212FB126214 به نام **امیر اسمعیلی ابهریان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.